

خروج امریکا از برجام و لزوم بازخوانی مفاد آن و محظورات طرفین در توافق هسته‌ای با کاربست نظریه عقلانیت محصور

احمد بخششی^۱، علی اکبر یاری القار^۲، سمیه حمیدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳

چکیده

پس از توافق هسته‌ای، دو انگاره تثبیتی و تنقیدی نزد افکار عمومی مشهود بود که با یک‌جانبه‌گرایی ترامپ، انگاره دوم قوت یافت. مسئله نوشتار حاضر این است: با خروج امریکا از برجام، ایران چه باید بکند و بر چه اساسی می‌توان خروج گام‌به‌گام ایران را از لحاظ حقوقی و سیاسی منطقی و قانونی عنوان کرد؟ دیگر اینکه طرفین با چه محظوراتی مواجه بودند که توافقی را امضا کردند که در هر دو سو منتقدان فراوانی داشت؟ دو دستاورد پژوهش این است که اولاً طرفین به‌ویژه ایران با محظورات فراوانی هنگام عقد قرارداد مواجه بودند که به‌رغم مخالفت با آن از هر دو طرف، با کاربست نظریه عقلانیت محصور هربرت سایمون این قرارداد چندجانبه را امضا کردند و با خروج امریکا از برجام، اگر جمهوری اسلامی ایران تعهد به قرارداد را برخلاف منافع ملی خود تلقی نماید، مطابق مکانیزم ماشه که یک سیستم خود بسنده است، قابلیت حقوقی و سیاسی تقلیل تعهدات یا برگشت به وضعیت پیش‌برجامی را دارد. روش تحقیق در این مقاله تحلیلی توصیفی با تأکید بر تحلیل تصمیم‌گیری مستند بر نظریه‌های هربرت سایمون و جک اسنایدر است. ابزار گردآوری داده‌ها نیز مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژه‌های کلیدی: برجام؛ ایران؛ عقلانیت محصور؛ داده؛ ستانده؛ مکانیزم ماشه
پیشگاه مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)

bakhshi@birjand.ac.ir

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

۱- بیان مسئله

بحران هسته‌ای یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی سیاست خارجی ایران پس از جنگ تحمیلی بوده است و در عین حال توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ پس از جلسات طولانی همراه با چانه‌زنی‌های دو طرف، نقطه عطفی در عرصه سیاست خارجی است. مسأله‌ای که این نوشتار در صدد حل آن است این است که چرا طرفین ۵+۱ و جمهوری اسلامی ایران بر توافقی تصمیم گرفتند که منتقدان سرسختی در هر دو سو (ایران و ایالات متحده) داشت و اصولاً چرا باید در یک معامله حقوقی و سیاسی هر دو طرف ناراضی باشند؟ از طرفی بسیاری از منتقدین برجام در داخل ایران، آن را معامله‌ای نابرابر که بیشتر برای منافع آمریکا و غرب است، تلقی می‌کردند و حتی آن را با قرارداد ننگین گلستان و ترکمنچای مقایسه می‌کردند؛ از طرفی دیگر در ایالات متحده و به‌ویژه شخص ترامپ، آن را معامله‌ای نابرابر می‌بینند؛ به‌گونه‌ای که حقوق سیاسی مضاعفی برای ایران دارد. همین‌طور در آن‌سو مقامات اسرائیل و عربستان نیز آن را معامله‌ای می‌نگرند که در آن کفه ثقیل ترازو به نفع ایران است. اینجا نوعی اجتماع سلب و ایجاب است که این نوشتار در صدد رفع و حل آن است که چگونه هر دو طرف خود را مغبون می‌دانند و در عین حال برخی از مقامات دو کشور ایران و آمریکا نیز آن را معامله‌ای برد-برد تلقی می‌کنند. مسئله جایی شکل پیچیده‌ای به خود می‌گیرد که در واکنش به خروج آمریکا از این معاهده بین‌المللی و در پی آن عدم تعهد به مفاد آن و اعمال تحریم علیه ایران، رئیس‌جمهور کشورمان نیز همسو با منتقدان، از عدم تعهد ایران به برخی مفاد قرارداد را خبر می‌دهد که این عدم تعهد، فزاینده، تدریجی و در چند گام خواهد بود؛ به‌ویژه اگر قضیه به‌شکلی پیش رود که منافع استراتژیک جمهوری اسلامی تأمین نشود. دیگر اینکه اگر برجام منافع جمهوری اسلامی ایران را تأمین ننماید؛ ایران چگونه و با استناد به کدام مفاد قرارداد می‌تواند بستر حقوقی و سیاسی لازم را در خروج گام‌به‌گام از آن تمهید کند؟ همین پیچیدگی ضرورت مسئله را تبیین می‌نماید. هدف این مقاله بازخوانی مفاد برجام از حیث داده و ستانده براساس نظریه عقلانیت محصور هربرت سایمون است تا به نتیجه‌ای در جمع این دو رویکرد متضاد برسد و همچنین محظورات آمریکا در نقض سند چندجانبه بین‌المللی را لحاظ کرده است.

سؤالات پژوهش حاضر این است: چگونه هر دو طرف معامله یعنی ایران و ۵+۱ از یک‌سو آن را معامله‌ای برد-برد تلقی می‌نمایند و از سویی داعیه خسارت و خروج از برجام را دارند؟ به عبارتی چگونه می‌شود در یک قرارداد حقوقی هر دو طرف مغبون و مایل به خروج از آن باشند؟ به‌ویژه اینکه منتقدان داخلی قبل از آنکه نگران پایایی آن باشند، دغدغه روایی آن را داشتند که اصل آن به مصلحت نیست؛ نه اینکه معامله مثبتی است؛ اما پایدار نخواهد ماند. دومین سؤال بنیادی مقاله این است که با خروج ایالات متحده از برجام، اکنون چه باید کرد و نظر به اینکه آمریکا با اتکا به قدرتی که دارد برخلاف ترتیبات بین‌المللی به نقض یک سند چند جانبه اقدام می‌نماید که خروج آن از برجام به‌مثابه ایجاد تراحم در منافع ایران است. با این وصف در صورتی که ایران این توافق را در راستای منافع ملی تشخیص ندهد، چگونه می‌تواند ضمن پایبندی به مفاد برجام، خود را از یک تعهد یک‌سویه یا دست‌کم تعهدی با منافع نابرابر برهاند؟

باید توجه داشت که تعریف منافع ملی نیز در خلأ شکل نمی‌گیرد؛ بلکه در یک نظام ارزشی تکوین می‌یابد. درحالی‌که رئالیست‌ها به منافع مطلق می‌اندیشند، غالب طرفداران آرمان‌گرایی، لیبرال، سازه‌نگاری و حتی نظریه‌های

واکنشی منفعت را در قالبی نسبی تعریف می‌کنند. فرضیه نوشتار حاضر این است که طیفی از انگاره‌هایی که ایستاری سلبی و انتقادی به برجام دارند، براساس نظریه عقلانیت مطلق، نگاهی آرمان‌گرایانه و فارغ از محظورات اقتصادی، سیاسی و نظامی به شرایط پیشابرجام دارند و ایستارهای موافقان برجام علاوه بر توجه به داده‌ها و ستانده‌ها، ناظر به بستر تکوینی و محظورات ایران در پذیرش برجام است تا بر این اساس تبیین نماید که آیا این قرارداد در مجموع در راستای منافع ملی بوده است یا خیر؟

درباره برجام آثار نسبتاً فراوانی نگاشته شده است؛ از جمله «پرونده هسته‌ای و ابعاد پیدا و نهان» (غضنفری، ۱۳۹۴) که دیدگاهی تشکیکی و تقیدی نسبت به آن دارند و برخی نظیر «برجام در تحلیل کلان و خرد» (احمدیان، ۱۳۹۴) به تحلیل آن در دو سطح خرد و کلان پرداخته‌اند. مقاله‌ای با عنوان برجام و پسابرجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل (دل خوش، ۱۳۹۶) که ایستاری حقوقی دارد نیز به این موضوع پرداخته است. وجه تمایز و نوآوری این مقاله نسبت به سایر آثار همسو، مطالعه توأمان داده‌ها و ستانده‌ها به‌ویژه با در نظر گرفتن بستر تکوینی از حیث مقدمات و محظورات است و از این طریق درصدد است تا گرانیگاه دیدگاه‌های مخالف و موافق برجام را بیابد.

۲- چارچوب نظری

تصمیم‌گیری^۱ شاکله کلی سیاست خارجی و داخلی است که به نحو فزاینده‌ای تابع الگوی عقلانی است؛ از این رو به وضوح می‌توان سيطرة بلامنازع الگوی عقلانی را در تصمیم‌گیری سیاست خارجی مشاهده کرد (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۰). از تصمیم‌گیری تعاریف موسعی ارائه شده است که قرابت معنایی آن‌ها حول محور عقل‌گرایی است. شاید جامع‌ترین تعریف از جیمز دوئرتی و فالتزگراف باشد که تصمیم‌گیری را صرفاً عمل‌گزینش میان راه‌حل‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی می‌دانند که درباره آن‌ها قطعیت وجود ندارد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۲۰). اسنایدر و همکارانش ویژگی‌های خاص و متمایزکننده تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را در سه مؤلفه ساختار و فرایند تصمیم‌گیری، عوامل و منابع مؤثر بر تصمیم‌گیری ملحوظ داشته‌اند (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۲). مورد اخیر (عوامل و منابع تصمیم‌گیری) به عنوان محظورات عمل می‌کند و در راستای عقلانیت محصور، تصمیم‌گیری را تقیید و محدود می‌کند. پژوهش مشترک ریچارد اسنایدر، برتون سپین واک، دابلویبراک، نخستین اثر درباره تصمیم‌گیری در سیاست خارجی است؛ نویسندگان در آن به تأثیر مؤلفه‌هایی از قبیل انسان به‌مثابه مهم‌ترین عنصر تصمیم‌گیر اشاره کرده‌اند (اسنایدر، ۱۳۸۹: ۳۰). برخلاف نظریات سنتی ماقبل و شبه‌مارکسیستی که در آن انسان بی‌اراده و اسیر ساختارها تلقی می‌شد، رویکردهای نو در تصمیم‌گیری کارگزار محوراند و تصمیم‌گیر نقش تعیین‌کننده در جهت‌گیری سیاست خارجی دارد. به‌طورکلی تصمیم‌گیری در تحلیل سیاست خارجی اهمیت راهبردی و بنیادی دارد (Alden & Aran, 2011: 1). قالب‌ها و خاستگاه تصمیم‌گیری متفاوت است. تصمیم‌گیری غالباً به شکل‌های فردی، گروهی و ائتلافی صورت می‌گیرد (Mintz & DeRouen, 2010: 19).

از جمله الگوهای تصمیم‌گیری، عقلانیت مطلق است. این مدل تصمیم‌گیری بیش از همه مدیون اسنایدر و همکارانش است که نگاهی آرمان‌گرایانه به عرصه سیاست خارجی دارند. در این مدل تصمیم‌گیرندگان باید اطلاعات

¹ Decision Making

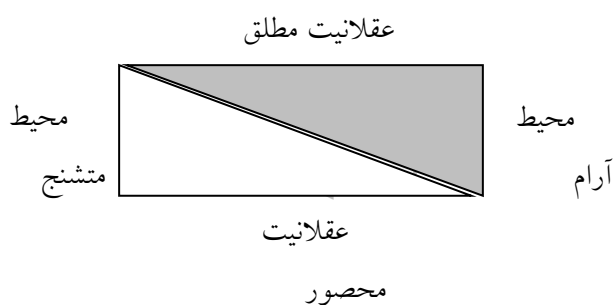
قابل ملاحظه‌ای درباره ارزش‌ها، منابع، اهداف و اولویت هدف‌های گوناگون داشته باشند تا بتوانند رفتارهای احتمالی آینده را پیش‌بینی کنند. در مدل اقتصادی، عقلایی بودن به مفهوم برخورداری تصمیم‌گیرندگان از آگاهی کامل، آشنايي با تمام شقوق تصمیم‌گیری و پیامدهای آن است. برخلاف اینکه این مدل آرمان‌گرایانه است، با مفروضه‌های رهیافت آرمان‌گرایانه در تضاد است و بیشتر مقرون به مفروضه‌های رئالیستی است؛ زیرا این رهیافت تصمیم‌گیری در پی منافع مطلق است و نه نسبی. پارادایم رئالیستی، دولت‌ها را به‌مثابه بازیگران واحدی فرض می‌کند که به دنبال حداکثر رساندن سود و به حداقل رساندن ضرر در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل هستند (Mintz & Deroen, 2010: 3). بیشترین نفع هم از نظر کمی و دایره شمول و هم از نظر کیفی در راستای دولت رفاه مدنظر است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۴، ج ۲: ۷۲۰). این نظریه وجود فرد عقلایی را مسلم می‌انگارد که از همه بدیل‌های قابل دسترسی به‌روشنی آگاه است. دومین الگوی تصمیم‌گیری عقلانیت محصور بسندگی^۱ است که به‌عنوان مدل رضایت‌بخش مطرح است. نگاه آرمان‌گرایانه مفهومی اسنادی به تصمیم‌گیری سیاست خارجی با نگاه رفتارگرانه هربرت سایمون تعدیل می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۵۸). شاید نقطه چالشی و پاشنه آشیل مدل اسنادی، مانور اندک عملیاتی آن و تباعد از واقع‌گرایی است. مهم‌ترین چالش نظریه اسنادی لحاظ‌نکردن محظورات محیطی و یک‌سونگری و توجه صرف به مقدرات است. یکی دیگر از متغیرهای استراتژیک در تصمیم‌گیری قدرت داخلی و خارجی است. قدرت و آزادی عمل، رابطه مستقیمی با یکدیگر دارند (رمضانی، ۱۳۸۰: ۳۸). در مدل رضایت‌بخش مبنا واقعیت‌های موجود است. این مدل نیز منوط به واقع‌نگری است. آشبای در تصمیم‌گیری به دنبال رهیافت بقامحور است (Ashby, 1954: 61-62). لیندبلوم و همکارانش نیز به این نتیجه می‌رسند که بر اثر وجود دو عامل عقلانیت و اطلاعات محدود، انسان نمی‌تواند در تصمیم‌گیری خود عمیق باشد و نمی‌تواند تصمیماتی جامع و کافی اتخاذ کند (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۴۷). نظریه سبیرنتیک نیز که پیچیدگی، پویایی، احتمال‌گرابودن (عدم قطعیت) و وابستگی به یکدیگر مهم‌ترین اصول آن است (Arbib, 1984: 1)، هم‌سویی با عقلانیت محصور دارد. نوعی دیگر از تصمیم‌گیری الگوی تصمیم‌گیری شهودی است که فرایندی ناخودآگاه و منوط به تجربه‌های قبلی دارد و نقش اصلی را در بینش و فراست درونی ایفا می‌کند (Patton, 2003: 989)؛ همچنین الگوی بازیگر خردمند آلیسون با ارائه دو مدل روند سازمانی و سیاست دیوان‌سالاری که در آن انتخاب هریک از اجزا سرانجام در رفتار کل سازمان تجلی می‌یابد (Simon, 1986: 99-107) نیز بر سیاق فکری هربرت سایمون و مشتق از نظریه‌پردازی وی است. آلیسون معتقد است رهبرانی که در رأس سازمان‌اند، مجموعه‌ای پولادین نیستند؛ بلکه هریک بازیگرانی‌اند که در مرکز یک بازی رقابت‌آمیز اقدام می‌کنند (آلیسون، ۱۳۶۴: ۲۳۹). به هر حال مدل سایمون نظر به اینکه محظورات را ملحوظ داشته، واقع‌نگرتر و وجه ممیز از مدل اسنادی است؛ ازین‌رو گستره عملیاتی فراتری دارد.

باید توجه داشت که انشاء و اعمال تصمیمات در خلأ شکل نمی‌گیرد؛ بلکه تابعی از متغیرهای مستقل، وابسته و محیطی است. هر محیطی شرایط ویژه‌ای دارد تصمیماتی که شرایط محیطی را منظور ندارند، غیرکارآمد تلقی می‌شوند. شاید مدل اسنادی با ایستاری آرمان‌گرایانه در محیط عادی یا سرزنده قابلیت اجرایی داشته باشد؛ ولی مسلماً هرچه محیط به‌سوی تشنج و ناآرامی حرکت کند، دامنه عملیاتی و اجرایی آن کاهش می‌یابد و به مدل بسندگی نزدیک

¹ Optimizing

می‌شود. تصمیم‌گیر مجبور است به حداقل آورده افق کند؛ به‌ویژه آنکه کارگزاران غالباً با قواعد بازی و منافعی در موقعیت‌های خاص آشنا نیستند (Seabrooke, 2007: 371-385)؛ از این رو شرایط عینی و خارجی به‌ندرت آرمانی است. حتی در محیط عادی راندمان صددرصدی برای عقلانیت مطلق متصور نیست.

شکل شماره ۱: دامنه کارایی عقلانیت مطلق و محصور



۳- محظورات ایران در آستانه برجام

انشاء و اعمال تصمیمات سیاست خارجی مقرون به مقدرات ملی و ملحوظ به محظورات فراملی است. این روند در سیاست خرد و سطح تحلیل فردی نیز مد نظر است؛ اما در سطح تحلیل کلان، در قالب نظریه هم‌گرایی اهمیت استراتژیک می‌یابد. مقدرات ملی اغلب عامل تصمیم‌سازی و محظورات بین‌المللی مانع آن هستند. تصمیم‌گیر می‌باید در تعاملی دیالکتیک مرکز ثقل و گرانیگاه و نقطه توازن آن را بیابد و اعلام و اعمال کند.

۳-۱ محظورات فراملی

مهم‌ترین دلیلی که ایران را مجاب کرد تا در فرمول و معادله نابرابر از نظر قدرت بر سر میز مذاکره بنشیند، محظورات فراوان و کلان فراملی بود که حیطه کنش رفتاری موسعی برای ایران مقدور نبود. اولین کوشش‌های ایران که برای دستیابی به فناوری هسته‌ای در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶ ش) شروع شد (قرشی، ۱۳۹۳: ۱۲۶) و در سال ۲۰۰۱ با وضع تحریم‌های سخت ایالات متحده و اروپا وارد فاز بین‌المللی گردید (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸)، با گذشت زمان و فشار بیشتر هر روز ایران در تنگنا قرار می‌گرفت.

۳-۱-۱ تحریم‌های اقتصادی عمیق‌شونده با رویکردی جهانی

تجربه قدرت‌های بزرگ بعد از جنگ سرد بیانگر آن است که امروزه حملات نظامی الزاماً نمی‌تواند اهداف سیاسی آن‌ها را عملیاتی کند؛ بنابراین به‌دنبال بدیل مناسب، گزینه‌های تحریم اقتصادی را در سیاست خارجی خود ملحوظ کردند (Kampfer & Lowenbery, 2007: 870). گلپین معتقد است تحریم‌های اقتصادی عبارت است از دستکاری در روابط اقتصادی برای رسیدن به اهداف خاص سیاسی. کشور تحریم‌کننده با استفاده از تحریم با هزینه کمتر و بدون استفاده از ابزار نظامی، کشور هدف را وادار به تغییر سیاست یا حتی دولت می‌کند (Merom, 2013: 76). در ایستاری دیگر تحریم‌ها شکل تعدیل‌یافته جنگ هستند (موسوی شفائی و نقدی، ۱۳۹۴: ۲۸). پس از جنگ سرد دیپلماسی اقتصادی کار ویژه‌ای راهبردی یافته است (دهقانی فیروزآبادی؛ دامن پاک جامی، ۱۳۹۴: ۸). تحریم‌ها

عموماً دو هدف دارند یا در پی تغییر رفتار دولت هدف‌اند یا در خواسته‌ای گسترده‌تر خواهان تغییر کلی دولت‌اند. تحریم‌هایی که برای تغییر نظام سیاسی کشور باشد، بسیار شدیدتر و بدیل جنگی تمام‌عیار است (Berg, 2010: 7). این مسئله ایران را مجاب می‌کرد که برای کاهش شدت فشار تحریم‌ها بر میز مذاکره نشیند. این نیاز بود که دولت یازدهم را با اقبال به مذاکره ترغیب کرد.

۳-۱-۲ انزوای سیاسی ایران

جمهوری اسلامی ایران با ادعای ام‌القربایی جهان اسلام خود را در نوک مبارزات استکباری قرار داد. بازیگران قدرت از این مفهوم برداشت‌های تعارضی داشتند. بازنمایی مفهوم ام‌القربایی ایران تداعی‌کننده و دال بر نوعی مقاومت اسلامی در برابر نظم جهانی است که محور سیاست خارجی ایران است (Nau, Ollapally, 2012: 119). این مبارزه نه تنها با اقبال کشورهای عربی - اسلامی مواجه نشد؛ بلکه اغلب با نوعی ادبار در اردوگاه دشمن و هم‌نوا با آن‌ها بلکه رساتر علیه انقلاب اسلامی موضع گرفتند. شرکای تجاری که ایران به آن‌ها امید داشت همسو با ایران نبودند. دولت هند که ایران به میزان زیادی روی حمایت آن‌ها حساب می‌کرد به قطع‌نامه ۲۴ سپتامبر شورای حکام آژانس بین‌المللی علیه ایران رای مثبت داد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۴: ۵۱). از سال ۲۰۰۶ به بعد در پاسخ به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و تلاش‌های ایالات متحده برای منزوی کردن کشور، سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل و اتحادیه اروپایی به برنامه تحریم‌های ایالات متحده ملحق شدند (اسلامی و نقدی، ۱۳۹۵: ۵۳). آنچه مذاکرات را ضروری می‌نمود، این مسئله بود که ایران طی چندین سال نتوانست شریک مطمئن و مقتدری در مبارزه با استکبار بیابد.

۳-۱-۳ محظورات نظامی

با تلاش و تخصص وزرات دفاع و سپاه پاسداران، ایران تا حدودی به خودکفایی در صنایع نظامی نائل شده است و نسبت به قبل در وضعیت ایدئال است؛ اما در یک نظام آنارشیک، قدرت در مقایسه با دیگر بازیگران معنا می‌یابد؛ از این رو گرچه احتمال اقدام نظامی اندک بود، کاملاً منتفی نبود و مدام از وجود تمامی گزینه‌ها یاد می‌شد. به‌طور معمول تحریم‌ها به‌تنهایی در اجرای هدف اولیه، یعنی تغییر نظامی سیاسی یا رفتار سیاسی یک کشور موفق نبوده‌اند؛ برای مثال تسلیم قذافی به‌عنوان هدف تحریم‌های امریکا علیه لیبی درنهایت بدون تهاجم امریکا محقق نشد. آنچه احتمال حمله نظامی را تقویت می‌کرد، نوعی یگانه‌انگاری و وحدت رویه در مقابله امریکا با ایران و لیبی ازجمله طرح موسوم به داماتو است. گذشته از آن حملات ایالات متحده از ناحیه مقامات کاخ سفید، به‌تصریح بیان شده بود. مسئله حمله هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران ازجمله گزینه‌هایی بود که مورد توجه سیاست‌مداران امریکایی قرار داشت و حتی بعضی از مقام‌های نظامی امریکا اعلام کرده بودند که در حال بررسی انجام چنین حملاتی هستند. جفری کمپ^۱ مدیر ناوهای استراتژیک منطقه‌ای در مرکز نیکسون معتقد است در تئوری ایالات متحده درنهایت می‌تواند فرایند مسلح شدن ایران را از طریق حمله هوایی، اشغال سرزمینی یا به‌واسطه نوعی از عملیات پیچیده و مخفی، متوقف کند؛ اما رهیافت دیگری نیز وجود دارد. نئومحافظه‌کاران امریکا تنها به اعمال زور اعتقاد دارند؛ اما به عقیده وی به هر صورت معامله و مذاکره با ایران میسرتر است (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۴: ۱۹۸). این تغییر رویکرد در انتقال قدرت در کاخ سفید به‌نحو معناداری مشهود است و مسئله نگران‌کننده‌ای در پایبندی به برجام است؛ گرچه قواعد بین‌المللی مانع اقدام و نقض

¹ Geoffrey Kemp

یک طرفه هستند.

۳-۱-۴ تورم داخلی

تورم که از اول انقلاب پدیده‌ای ملموس بود، در اواخر دولت دهم رشد عمودی را تجربه کرد؛ به طوری که اگر با برجام مهار نمی‌شد، بر منابع حیاتی یا حتی وجودی نظام تأثیر سوء می‌گذاشت. این تورم برای مردمی خسته از گرانی خیلی غیر متعارف نبود؛ ولی تحمل آن به‌ویژه بر قشر پایین تأثیرات حیاتی برجا گذاشت. مردم و مسئولین امید چندانی به بهبود شرایط نداشتند؛ اما در صدد تغییر و تلطیف شرایط بودند.

۴- داده‌ها و ستاندها

اولی‌ترین معیار برای سنجش یک معامله حقوقی، موازنه داده‌ها و ستاندهاست. میزان توفیق و توثیق یک معادله، توازن در داده‌ها و ستاندهاست. در یک نظام هم‌گرا و در یک بازی با قاعد [جمع جبری غیر صفر، برد یک بازیگر الزاماً در باخت بازیگر دیگر تعریف نشده است. آنچه متولیان سیاست خارجی با عنوان نظریه برد - برد اعلام می‌کنند، ناظر به همین معناست.

۴-۱-۴ داده‌ها

۴-۱-۱ محدودیت‌های غنی‌سازی

اولین داده، مجموعه‌ای از محدودیت‌ها بر برنامه هسته‌ای ایران است. این محدودیت‌ها در چند مورد لحاظ شده است و باید نسبت به ستاندها سنجش شود:

- سطح غنی‌سازی تا ۱۵ سال محدود به ۳,۶۷ درصد خواهد بود (بند ۲۸ ضمیمه برجام)؛
- ظرفیت غنی‌سازی در نطنز محدود به تعداد ۵۰۶۰ سانتریفیوژ تا ده سال خواهد بود (بند ۲۷ ضمیمه)؛
- ایران محدودیت پانزده‌ساله در ساخت راکتورهای آب سنگین خواهد داشت (بند ۱۰ مقدمه برجام)؛
- ایران در سایت فردو محدودیت‌هایی را در کاهش تعداد سانتریفیوژها و عدم غنی‌سازی اورانیوم پذیرفته است (بندهای ۴۵ و ۵۰ ضمیمه).

براساس توضیحی که پیش از این درباره توان و برنامه هسته‌ای ایران داده شد، روشن می‌شود که هیچ‌کدام از محدودیت‌هایی که ایران در نطنز و فردو پذیرفته است، لطمه‌ای جدی به صنعت هسته‌ای ایران نمی‌زند؛ زیرا سانتریفیوژهای IR-1 باید با نسل‌های پیشرفته‌تر جایگزین شود و اورانیوم تولیدشده فعلی با توجه به استاندارد کیفی و عدم وجود نیازهای فعلی حتی تا امروز نیز مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند؛ به عبارت دیگر توسعه صورت گرفته در برنامه هسته‌ای ایران برای این صورت گرفته بود که بتواند روزی به دنیا قبولانده شده و توسعه خود را متناسب با علم روز پیش ببرد. همین مسئله به نحوی دیگر برای محدودیت سطح غنی‌سازی ایران به جز راکتور تهران که برای تأمین آن در برجام برنامه‌ریزی شده است و ساخت راکتورهای آب سنگین (چون راکتورهای در حال حذف از صنعت هسته‌ای دنیا هستند) نیز وجود دارد (احدیان، ۱۳۹۴: ۲۳). بهینه‌سازی و به‌روزرسانی فناوری دستگاه‌های پیچیده به‌ویژه در صنعت هسته‌ای که هر روزه تجویز جدیدی دارد، در شرایط تعامل میسرتر است. یکی دیگر از محدودیت‌های ایران و البته سایر بازیگران این است که تصمیم‌گیر مجبور است به حداقل آورده اکتان گردد؛ به‌ویژه آنکه کارگزاران غالباً با قواعد بازی و منافعشان در موقعیت‌های خاص آشنا نیستند (Seabrooke, 2007: 378). برجام، نظر به

پیچیدگی‌های سیاسی و فنی طبعاً از این قاعده مستثنی نبود.

۴-۱-۲ کاهش ذخایر اورانیوم به سیصد کیلو تا سقف پانزده سال

ایران متعهد شده است طی یک برنامه پانزده‌ساله حداکثر ذخیره اورانیوم خود را به اندازه سیصد کیلو حفظ کند (ماده ۵۶ ضمیمه یک برجام). این محدودیت نیز باتوجه‌به اینکه براساس برجام امکان تبدیل اورانیوم به سوخت قابل‌استفاده وجود دارد (ماده ۵۹ ضمیمه یک برجام) و فقط ذخیره نباید بیش از سیصد کیلو شود و همچنین اورانیوم فعلی ما هنوز از نظر استاندارد کیفی در مرحله آزمایش قرار دارد و اگر توسط مراکز پیشرفته کیفیت‌شان تأیید نشود، سال‌ها طول می‌کشد که توسط ایران آزمایش شود و از کیفی‌بودنشان اطمینان حاصل گردد، محدودیتی تأثیرگذار در توسعه صنعت هسته‌ای ایران محسوب نمی‌شود.

۴-۱-۳ نظارت‌ها و دسترسی‌ها

ایران در برجام، هم پروتکل الحاقی (ماده ۶۴ ضمیمه یک برجام) و هم فراتر از پروتکل الحاقی را پذیرفت؛ اولاً نظارت بیست‌ساله بر روتورها (ماده ۷۹ ضمیمه یک برجام) و بیست و پنج ساله بر معادن ایران را پذیرفته است (ماده ۱۵ مقدمه برجام) و ثانیاً ایران برای پانزده سال سازوکاری را برای دسترسی‌ها پذیرفته است که براساس آن در صورتی که در نحوه دسترسی‌ها بین ایران و آژانس انرژی اتمی طبق پروتکل الحاقی اختلافی باقی بماند، تصمیم‌گیری به کمیسیون مشترک هشت عضو می‌رود و در صورت وجود پنج رای، ایران مجبور به پذیرش حکم این کمیسیون خواهد بود (ماده ۷۸ ضمیمه). پذیرش پروتکل الحاقی برای کشوری که قصد غنی‌سازی داشته باشد، نظارتی متعارف و طبیعی است. نظارت بیست ساله و بیست و پنج ساله ذکرشده نیز در عین حالی که از نقاط ضعف مهم برجام محسوب می‌شود، به دلیل اینکه نظارتی صرفاً بر مراکز هسته‌ای و برای اعتمادسازی به طرف مقابل محسوب می‌شود، قابل پذیرش است. طبق نظر سایمون و براساس عقلانیت محصور، در هر معامله حقوقی داده‌ها از نظر ارزش آوردگی، در مقایسه با ستانده‌ها معنا می‌یابند. توجه یک‌سویه به هر کدام جزئی‌نگری است.

۴-۲ ستانده‌ها

۴-۲-۱ رسمی‌شدن غنی‌سازی ایران و پذیرش ایران هسته‌ای

تردید نیست که مهم‌ترین چالش اصلی ایران با کشورهای ۱+۵ در طول دهه گذشته همین مسئله بوده است؛ برای مثال در توافقنامه ایران، برزیل و ترکیه، ایران پذیرفت که ۱۲۰۰ کیلو اورانیوم خود را به خارج از کشور منتقل کند و در قبال آن وعده نسیه‌ای بگیرد که بعد از یک سال برای تأمین نیاز نیروگاه تهران اورانیوم بیست درصد تحویل بدهند (احدیان، ۱۳۹۴: ۲۳). موافقت ایران با اعطای این امتیاز بزرگ فقط در قبال وجود عبارت «چرخه سوخت هسته‌ای شامل فعالیت‌های غنی‌سازی» بود و امریکایی‌ها باز هم حاضر نشدند این مسئله را بپذیرند؛ اما امروز رسمیت یافتن غنی‌سازی در ایران نه تنها روی کاغذ در سند رسمی برجام، که امضای شش کشور را دارد، و در قطعنامه سازمان ملل به عنوان یک سند رسمی بین‌المللی پذیرفته شده است، بلکه آن‌ها مجبور به قبول کردن آن روی زمین با پذیرش چرخیدن چند هزار سانتریفیوژ شده‌اند (بند ۲۷ ضمیمه یک برجام). بی‌توجهی به این دستاورد بزرگ برجام مسلماً یک‌سونگری است. برخی با وارد کردن شبهات ضعیف و سست این دستاورد از روی اقتدار، ایران را کم‌رنگ جلوه می‌دهند که در پاسخ آن‌ها ذکر همین جمله از رهبر انقلاب پس از مذاکرات وین در خطبه‌های عید فطر شایان توجه

است: «هدف واقعی آن‌ها این است که پیچ‌ومهره‌های صنعت هسته‌ای به‌کلی باز بشود؛ این را سال‌ها پیش هم به مسئولین ما صریحاً بیان کردند، الان هم در همین آرزو هستند. ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه [اش] این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمل کنند؛ ... این معنایش چیست جز اقتدار ملت ایران» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴).

۴-۲-۲ پذیرش صنعت هسته‌ای (غنی‌سازی صنعتی با تحقیق و توسعه)

اگر غنی‌سازی ایران فارغ از مبنای عملی به رسمیت شناخته می‌شد، ستانده قبلی در قبال پیشرفت‌های ایران ارزش چندانی نداشت؛ بنابراین حفظ صنعت هسته‌ای هدف‌گذاری مبنایی است و البته هیچ صنعتی اقتصادی نخواهد بود مگر آنکه امکان تحقیق و توسعه در آن لحاظ شود. ادعای کارشناسی شده این است که در برجام مبتنی بر «توان فعلی» و «برنامه کلان هسته‌ای ایران» صنعت هسته‌ای و برنامه تحقیق و توسعه ایران تا حد بالایی دیده شده است (سرفصل تحقیق و توسعه ماشین سانتریفیوژ در ضمیمه یک شامل بندهای ۳۲ تا ۴۳ و بند ۳ مقدمه برجام). محدودیت‌های پذیرفته‌شده (که بخشی از آن‌ها مخصوصاً طول مدت محدودیت‌ها از نقاط ضعف مهم محسوب می‌شود) لطمه جدی به این برنامه نخواهد زد و در بدبینانه‌ترین حالت، بین یک تا دو سال توسعه صنعت هسته‌ای ایران را عقب خواهد انداخت که این نقطه ضعف (در صورت وجود) قابل چشم‌پوشی است (همان). برنامه هسته‌ای ایران بر محور سانتریفیوژهای نسل‌های پیشرفته IR-6 و IR-8 پایه‌گذاری شده است. سانتریفیوژهای IR-1 نسل قدیمی سانتریفیوژها هستند که به دلیل خرابی بالا و اینکه حداکثر یک «سو» اورانیوم غنی می‌کنند، به هیچ‌وجه اقتصادی نیستند و در یک فرایند طبیعی چه براساس برجام چه بدون آن، باید روزی جمع شود و با سانتریفیوژهای پیشرفته جایگزین گردد؛ حتی در بهترین حالت با توجه به وسعت نظنز حداکثر پنجاه هزار از این تعداد سانتریفیوژ در این مکان جای می‌گیرد و ایران تنها خواهد توانست فقط یک چهارم نیاز بوشهر را تأمین کند. از طرف دیگر سانتریفیوژهای IR-6 و IR-8 در مراحل اولیه تحقیق و توسعه قرار گرفته‌اند و فرایند تکمیل بین هشت تا ده سال آن در برجام دیده شده است. در برجام امکان آزمایش این سانتریفیوژها همراه با تزریق اورانیوم از روز اجرا با زنجیره‌های میانی قرار داده شده است (U.N, 2015) و از ابتدای سال نهم امکان ساخت سالانه دویست عدد سانتریفیوژ برای هر نوع از آی آر IR-6 و IR-8 بدون نصب روتور وجود دارد (بند ۲۷ ضمیمه یک برجام)؛ در نتیجه ایران از مراحل مقدماتی برای تولید انبوه سانتریفیوژها از سال دهم عقب نیفتید و از سال دهم به بعد نیز علاوه بر ساخت، همین تعداد روتور نیز نصب و عملاً مرحله ورود به تولید انبوه آغاز می‌شود (احدیان، ۱۳۹۴: ۲۳). همه آنچه گفته شد به جز مواردی معدود و قابل چشم‌پوشی، مطابق با برنامه‌ای است که ایران اگر هیچ محدودیتی نیز بر برنامه خود نداشت، نمی‌توانست چندان تغییر مهمی در آن ایجاد کند؛ از این رو اهمیت استراتژیک ندارند.

۴-۲-۳ کاهش تحریم‌های اقتصادی و مالی

گرچه شاید به نظر می‌رسید بارزترین دستاورد برجام در بعد اقتصادی رفع تحریم‌ها باشد (نک. خلیلی، ۱۳۹۴: ۱۳۱-۱۵۸). ایران پس‌برجام شرایط بهتری نسبت به ایران پیش‌برجام دارد؛ اما با یک‌جانبه‌گرایی ترامپ این روند آن‌گونه که انتظار می‌رفت، پیش نرفت. ضمن اینکه رفع تحریم‌های اقتصادی صرفاً یک مورد از آورده‌های برجام بود.

۴-۲-۴ عادی‌شدن پرونده ایران

به استناد بند ۲۴ ضمیمه شماره ۵ برجام و بند ۸ پاراگراف‌های اجرایی قطعنامه سازمان ملل، پرونده هسته‌ای ایران که

بهانه اصلی همه ظلم‌ها از جمله تحریم‌ها بود، بعد از دوازده سال کشمکش بدون اینکه ایران از توسعه برنامه خود عقب بنشیند، عادی می‌شود؛ این خود ستانده‌ای مهم در این رویارویی مستقیم است.

۴-۲-۵ شکست پروژه ایران‌هراسی با شفاف‌سازی برنامه هسته‌ای

رسانه‌های غربی به صورتی مکرر در این باره اظهار نگرانی منتشر و برجسته می‌کردند تا در نهایت، تصویری از یک ایران خطرناک را برای افکار عمومی ایجاد کنند (دارابی، احدی، ۱۳۹۶: ۳۸). برجام، علاوه بر ایران‌هراسی، پروسه شیعه‌هراسی را نیز ناکام کرد (خلیلی، ۱۳۹۴: ۱۴۱). یکی از عوامل واگرایی در جهان اسلام تعارض بین‌الادیانی و بین‌المذهبی است که در این باره شفاف‌سازی هسته‌ای مهم‌ترین عامل هم‌گرایی و درک بین‌الذهانی و برداشت تصویری مثبت سایر بازیگران از جمله همسایگان نسبت به ایران است.

۴-۲-۶ افزایش منزلت بین‌المللی ایران

ایران در دهه گذشته همیشه سعی کرده است حضوری فعال و تعیین‌کننده در منطقه و جهان داشته باشد. نیل به این مهم جز در سایه مشروعیت سیاسی جهانی امکان‌پذیر نیست؛ به‌ویژه با فعالیت‌های مقطعی و انقلابی گذشته اینک نوعی تعدیل و نیاز به پذیرش بین‌المللی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی مشهود و ملموس است. در پس‌برجام تغییر منطق موازنه به نفع ایران شد (خلیلی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). عواید جمهوری اسلامی در سطح کلان علاوه بر رفع تحریم‌های بین‌المللی و انزوای اسرائیل در عدم نیل به خواسته‌هایش با افزایش مشروعیت و منزلت بین‌المللی همراه بود. شاید در بعد سیاسی مهم‌ترین آورده برجام باشد.

۴-۳ مکانیسم ماشه

نظام ضمانت اجرا در برجام برگشت‌پذیر است و در آن یک سیستم خودبسنده وجود دارد که اقدام به مقابله به مثل از آن مستفاد می‌گردد (افتخار جهرمی و حاجیان، ۱۳۹۴: ۱۷۴). هر قرارداد حقوقی الزاماً باید ضمانت اجرایی برای طرفین داشته باشد تا از لحاظ حقوقی توثیق شود. عدم ضمانت اجرایی به مثابه قانون‌گریزی و ناکارآمدی مفاد توافق است. برجام به عنوان سند بالادستی در کشور بلکه فراملی ضمانت اجرایی در آن با عنوان ضمانت اجرایی و مکانیسم ماشه ملحوظ شده است.

جدول شماره ۲: داده‌ها و ستانده‌ها برحسب درجه اهمیت (احدیان، ۱۳۹۴: ۲۳).

داده‌ها	
کم‌اهمیت	۱. محدودیت غنی‌سازی
کم‌اهمیت	سطح غنی‌سازی تا پانزده سال محدود به ۳,۶۷
کم‌اهمیت	ظرفیت غنی‌سازی محدود به ۵۰۶۰ سانتریفیوژ
کم‌اهمیت	محدودیت ۱۵ سال در ساخت راکتورهای آب سنگین
غیراستراتژیک	محدودیت ۱۰۴۴ سانتریفیوژ در فردو بدون تزریق اورانیوم
غیراستراتژیک	۲. کاهش ذخایر اورانیوم به ۳۰۰ کیلو تا ۱۵ سال
غیراستراتژیک	۳. نظارت‌ها و دسترسی‌ها
غیراستراتژیک	اجرای پروتکل الحاقی (تصویب از سال هشتم)
غیراستراتژیک	نظارت بیست ساله بر روندها و ۲۵ ساله بر معادن
بسیار مهم	تمکین از رأی اکثر کمیسیون مشترک برای دسترسی به مراکز

	غیر هسته‌ای در صورت عدم تفاهم با آژانس
--	--

ستاندها		
	استراتژیک	۱. رسمی شدن غنی‌سازی و پذیرش ایران هسته‌ای
پذیرش چرخیدن چند هزار سانتریفیوژ		
پذیرش صریح غنی‌سازی ایران در برجام		
پذیرش صریح غنی‌سازی ایران در قطع‌نامه سازمان ملل		
اعتراف رسمی اوپاما در گفت‌وگو با فرید زکریا: مجبور شدیم حق غنی‌سازی ایران را بپذیریم.		
استراتژیک		۲. غنی‌سازی صنعتی همراه با تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای
محدودیت‌های پذیرفته‌شده متناسب با توان و برنامه هسته‌ای فعلی ایران است و اگر محدود هم نبود، فرق مهمی نمی‌کرد.		
رفع محدودیت بعد از دوره معین در سطح غنی‌سازی و ظرفیت		
استراتژیک		۳. رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی
رفع تحریم‌های اقتصادی و مالی هسته‌ای در روز اجرا (اعم از لغو، توقف و تعلیق)		
توافق بر سر مطالبات ادعایی	غیراستراتژیک	۴. عادی شدن پرونده ایران
عادی شدن پرونده ایران در سازمان ملل براساس قطعنامه ۲۲۳۱		
استراتژیک		۵. شکست پروژه ایران‌هراسی از طریق شفاف‌سازی برنامه هسته‌ای
لغو قطعنامه‌های سازمان ملل بدون اجرا (تعلیق غنی‌سازی، تعطیلی فردو و اراک)		
تحکیم صنعت هسته‌ای		
رسمیت دادن به غنی‌سازی ایران		
حفظ آب سنگین فردو و عقب‌نشینی امریکا		
اعتراف صریح اوپاما، جان کری مبنی بر اجتناب‌ناپذیر بودن ایران هسته‌ای		
غیراستراتژیک		۶. سایر ستاندها
تغییر مثبت محتوای قطعنامه ۲۲۳۱ به ۱۹۲۹		
امکان همکاری برای توسعه فنی در دیگر بخش‌های صنعت هسته‌ای		
تبدیل شدن اراک به نیروگاهی پیشرفته		
امکان تست استانداردسازی سوخت اتمی		

۴-۴ داده‌ها و ستاندهای طرف مقابل «۱+۵»

داده‌های ایران، ستاندهای طرف مقابل و ستاندهای آن‌ها داده‌های ایران است. آنچه شایان توجه است، اینکه طرف

مقابل نیز به تمام خواسته‌های خود در برجام نرسید و فقط به بخشی از آن بسنده کرد. آنچه آن‌ها خواسته بودند، ایران غیرهسته‌ای بود که نهایتاً مجاب شدند از بسیاری خواسته‌های شان عقب‌نشینی کنند. جورج بوش در سوم فروردین ۱۳۸۷ می‌گوید: ایران حق ندارد اورانیوم غنی‌سازی کند و خانم رایس وزیر خارجه آمریکا در ۲۹ تیر همان سال مذاکرات را منوط به پیش‌شرط تعلیق غنی‌سازی می‌کند (احدیان، ۱۳۹۴: ۴۰).

۵- محظورات ایالات متحده

خروج از یک سند چندجانبه که به امضای قدرت‌ها و نهادهای بین‌المللی رسیده است، برای ایالات متحده هزینه‌های سنگینی دارد که نمی‌تواند خود را از آن مبرا دارد. این محظورات هم در افکار عمومی داخل آمریکا بازتاب‌هایی داشته است و هم محظورات فراملی دارد.

۵-۱ محظورات فراملی برای ایالات متحده در نقض برجام

رویکرد غالب در مساعی ایالات متحده از ابتدای انقلاب اسلامی این است که ایران را بازیگری که خلاف قاعده بازی رفتار می‌کند و همواره به قوانین بین‌المللی وقعی نمی‌نهد، قلمداد کند. به موازات همین ژست معلم‌گونه، خود را مقید به مبادی آداب بین‌المللی می‌داند و به‌خوبی به این مسئله واقف است که در مقام هژمون هرگونه بی‌اعتنایی به سازمان‌های رسمی بین‌المللی وضعیت هژمونتیک آن را به شدت تهدید و تخریب خواهد کرد و اعتبار بین‌المللی اش را در برابر افکار عمومی جهان، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مخدوش خواهد نمود (payla88n, 2018).

۵-۲ عوارض بین‌المللی یک‌جانبه‌گرایی ترامپ

- ۱) تهدید موقعیت هژمونتیک ایالات متحده و تقویت مدعیان جدید هژمونی؛
- ۲) بی‌اعتنایی دولت‌ها و ملت‌ها به اسناد بین‌المللی و ایالات متحده؛
- ۳) ایجاد تنش میان اروپا به‌عنوان صادرکننده سند و ایالات متحده (Eunior, 2016 & Herszenhorn, 2019)؛
- ۴) بی‌اعتباری داعیه سلاح هسته‌ای توسط ایران و شکست پروژه ایران‌هراسی؛
- ۵) ترسیم سیمای یک‌جانبه‌گرایانه ترامپ به‌عنوان فردی غیرقابل پیش‌بینی و اعتماد (Kahl and Brands, 2017)؛
- ۶) حق ایران در از سرگیری چرخه سوخت هسته‌ای و غنی‌سازی در راستای مکانیسم ماشه.

۵-۳ موضع تقابلی قدرت‌های نوظهور و غرب به‌عنوان صادرکنندگان سند

با جدی‌تر شدن قدرت‌های نوظهوری چون چین و بازیابی قدرت روسیه کنونی فارغ از الزام هم‌گرایی با سیاست‌های ایالات متحده، جهان از تک‌قطبی سلسله‌مراتبی به چندقطبی تبدیل خواهد شد. به اعتباری اکنون هژمونی ایالات متحده با تحدیدات و تهدیدات جدی مواجه شده است. موضع چین و روسیه در حمایت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران (Esfadyari & tabatabayi, 2018). خواه در تقابل با ایالات متحده یا در نزدیکی مواضع به جمهوری اسلامی و بهره‌وری از منابع نفتی ایران یا جمع منافع مذکور باشد، برون‌داد آن همسو با منافع استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است که ایالت متحده را بر آن می‌دارد تا به مقررات نهادهای بین‌المللی پایبند باشد.

۶- نتیجه گیری

یافته‌های بنیادی این مقاله عبارت است از:

- ۱) با خروج ایالات متحده از برجام، انگاره تنقیدی آن به شدت تقویت شد؛ طیفی که با نگاه تشکیکی به برجام و ادامه تحریم‌های یک جانبه امریکا به برجام می‌نگرند، صرفاً به بعد اقتصادی آن توجه دارند؛ حال اینکه برجام دارای ابعاد مختلفی از قبیل مشروعیت‌سازی بین‌المللی و شکست پروژه امریکایی - اسرائیلی ایران‌هراسی و اعتماد به نهادها و رژیم‌های تعاملی که نیاز مبرم ایران پس از یک دوره طولانی تعارضی است - که منتهی به افزایش منزلت کشور می‌شود - کمتر توجه دارند. جمهوری اسلامی ایران اکنون با خروج امریکا از برجام که نوعی تراحم در ضمانت اجرایی آن محسوب می‌شود، مجاز است با توجه به مکانیسم ماشه که نوعی ضمانت تقابلی مفاد برجام است، نسبت به تقلیل تعهدات یا برگشت به وضعیت پیش‌برجامی تجدیدنظر کند.
- ۲) ایالات متحده با خروج از برجام که نه صرفاً بین دو یا چند کشور، بلکه یک سند بالادستی و بین‌المللی است، داعیه هژمونیک و پایبندی به ترتیبات بین‌المللی خود را نزد افکار عمومی دنیا مخدوش کرده است و متهم به یک جانبه‌گرایی، نادیده‌انگاشتن سندی چندجانبه‌گرا و کاملاً رسمی و قانونی است که محظورات فراوانی به‌ویژه از ناحیه سازمان‌های رسمی امضاکننده سند، اتحادیه اروپا و قدرت‌های نوظهوری چون روسیه و چین پیش‌رو دارد که مسلماً پایان خوشی برای ایالات متحده نخواهد داشت.
- ۳) با خروج ایالات متحده از برجام، ایران نباید با اقدامی تعجیلی از آن خارج شود و نیاز به اعتمادسازی طرف غربی مشهود است. به نظر می‌رسد با توجه به تناوب قدرت بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان در کاخ سفید، امریکای پساترامپ خود را ملزم به رعایت مفاد سند بین‌المللی که خود امضا کرده بداند؛ از این‌رو خویش‌داری ایران نیز مساعدت به تلطیف اوضاع است.
- ۴) دیدگاه انتقادی از برجام که با خروج امریکا از آن و ابقای تحریم‌های اقتصادی، برجام را فرایندی پایان‌یافته تلقی می‌کند؛ صرفاً از دیدگاه اقتصادی به آن می‌نگرد و آورده‌های سیاسی آن را از قبیل افزایش مشروعیت بین‌المللی ایران در پایبندی به سند چندجانبه‌گرا و شفاف‌سازی برنامه هسته‌ای، شکست پروژه ایران‌هراسی و دید منفی افکار عمومی دنیا نسبت به سیاست‌های یک‌جانبه امریکا ملحوظ نمی‌دارد.
- ۵) دیدگاه انتقادی و تثبیتی برجام در قالب دو نظریه اسنایدر و سایمون قابل جمع و هم‌سان‌سازی است. به این صورت که منتقدین برجام به آن از منظر اسنایدری و آرمان‌گرایانه می‌نگرند که همه خواسته‌های ایران محقق نشده است و موافقین آن در قالب عقلانیت محصور هربرت سایمون - نظر به محظوراتی که در آن شرایط سخت فرا روی ایران بود و با توجه به اینکه طرف مقابل نیز به هدفش (تعطیلی کامل برجام) نرسید - از آن رضایت نسبی دارند. مطابق نظریه عقلانیت محصور هربرت سایمون تحلیل علمی برجام فارغ از لحاظ شرایط وقوع و مقدرات و محظورات (حتی با لحاظ داده‌ها و ستانده‌ها) تحلیلی، یک‌جانبه‌نگر و ناقص است.
- ۶) با لحاظ مقدمات و محظورات و مذاقه در داده‌ها و ستانده‌ها، برجام ره‌آوری مهم برای جمهوری اسلامی است که از آورده‌های آن در بعد سیاسی شکست پروژه ایران‌هراسی، افزایش منزلت حقوقی، سیاسی ایران که از ابتدا متهم به بی‌توجهی به پیمان‌ها و نهاد‌های بین‌المللی بود و... شایان توجه است.

۷) مهم‌ترین داده استراتژیک ایران در برجام، نظارت‌ها و دسترسی‌ها و مهم‌ترین ستانده ایران، پذیرش جهانی ایران هسته‌ای و کاهش تحریم‌های اقتصادی و افزایش منزلت بین‌المللی ایران است؛ مهم‌ترین دلیل افق‌متقدان برجام، نارضایتی شدید دشمنان ایران از قبیل اسرائیل است، که به‌مثابه پیروزی ایران است و تأثیر دوست و دشمن از جریانی واحد، خلاف قاعده عقلی است. البته مشروط به اینکه طرف غربی نسبت به آن وفادار باشد.

منابع

۱. آیسون، گراهام تی (۱۳۶۴)، شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، مترجم: منوچهر شجاعی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۲. احدیان، محمد سعید (۱۳۹۴)، برجام در تحلیل کلان و خرد، مشهد: مؤسسه فرهنگی هنری خراسان.
۳. اسلامی، محسن، نقدی، فرزانه (۱۳۹۵)، «ابزار تحریم و سیاست خارجی امریکا در قبال ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم، ۷۸-۳۷.
۴. اسنایدر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۹)، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، مترجم: محمدجعفر جوادی ارجمند و محمدجعفر و مجید فرهام، تهران: میزان.
۵. افتخار جهرمی؛ گودرز، حاجیانی علی (۱۳۹۵)، «دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و نظارت پذیری شورای امنیت»، فصلنامه سیاست جهانی، سال پنجم، شماره سوم، ۱۶۱-۱۸۳.
۶. خامنه‌ای، علی (۱۳۹۴)، خطبه‌های نماز عید فطر، در تارنمای: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30331>
۷. خلیلی، رضا (۱۳۹۵)، «پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام: رویکرد استراتژیک»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره دوم، ۱۳۱-۱۵۸.
۸. دارابی، علی؛ احدی، افسانه (۱۳۹۶)، «رسانه، سیاست خارجی و اجماع‌سازی در برنامه هسته‌ای ایران؛ مطالعه تاریخی» فصلنامه روابط خارجی، سال نهم، شماره اول، ۶۷-۳۳.
۹. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶)، «برجام و پس‌برجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی‌ویکم، شماره اول، ۷۳-۵۱.
۱۰. دوئرتی، جیمز؛ فالتز گراف، رابرت (۱۳۸۸)، نظریه‌های متناقض در روابط بین‌الملل، مترجم: علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۴)، «جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت یازدهم» فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۹، شماره ۱۱۲، ۵۲-۷.
۱۲. رضانی، روح‌الله (۱۳۸۰)، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مترجم: علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
۱۳. سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی مدل عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از گونه‌های تعدیل شده الگوی عقلانی تا مدل جایگزینی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وپنجم، شماره ۹۷، ۲۳۹-۳۶۰.
۱۴. سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۹۳)، اصول روابط بین‌الملل تهران: میزان.

۱۵. سیمبر، رضا؛ رحم‌دل، رضا؛ فلاح، مهسا (۱۳۹۵)، «معمای امنیتی پرونده هسته‌ای ایران از منظر نواقع‌گرایی» فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۶، ۸۸-۱۰۶.
۱۶. قرشی، سید یوسف (۱۳۹۳)، «تأملی سایبرنتیک بر مدل تصمیم‌گیری هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل، شماره بیست و یک، ۱۱۹-۱۴۶.
۱۷. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۴)، پرونده هسته‌ای ایران (۲) روندها و نظرها، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران.
۱۸. موسوی شفائی، مسعود؛ نقدی، فرزانه (۱۳۹۴)، «اقتصاد سیاسی بین‌المللی در دوران پساتحریم»، فصلنامه روابط بین‌الملل، سال هفتم، شماره ۲۸، ۲۱-۶۲.
۱۹. وزارت امور خارجه (۱۳۹۵)، برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) قابل دسترس در تارنمای وزارت امور خارجه: <https://www.mfa.ir/files/mfa/pdf.pdf>

20. Alden, Chris, Amnon Aran (2011) Foreign Policy Analysis: New Approaches, Routledge.

21. Arbib, A.M. (1984), Computers and the Cybernetic Society. New York: Academic Press.

22. Ashby, W. Ross (1954), Design for a brain, New York: John Wiley & Sons Inc.

23. Berg, Lauren Van Den. 2010. "Economic Sanctions". Policy. 1(1), P.p3-17.

24. Esfadyari Dina & tabatabayi Ariane, (2018), "Moscow and Beijing Have Tehran's Back", Foreign policy, available at: <https://foreignpolicy.com/2018/07/25/moscow-and-beijing-have-tehrans-back/>

25. European Union. (2016). "An EU Strategy for Relations with Iran after the Nuclear Deal" European Union, available at: [www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2016/578005/EXPO_IDA\(2016\)578005_EN.pdf](http://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/IDAN/2016/578005/EXPO_IDA(2016)578005_EN.pdf).

26. Kaempfer, William H. & Lowenberg, Anton D. 2007. "The Political Economy of Economic Sanctions". In Handbook of Defense Economics - Defense in a Globalized World Ed. by Keith Hartley and Todd Sandler. (Vol. 2). Elsevier B.V. doi:10.1016/S1574-0013(06)02029-1. Accessed by 07.03.2015.

27. Kahl, Colin and Hal Brands. (2017). "Trump's Grand Strategic Train Wreck". Foreign Policy, 31 January, Available at: <http://foreignpolicy.com/2017/01/31/trumps-grand-strategic-train-wreck>

28. Herszenhorn, David M.(2019), "Europe vows to uphold Iran nuclear deal as Trump raises pressure", Politico Europe, Available at: <https://www.politico.eu/article/europe-vows-to-uphold-iran-nuclear-deal-as-trump-raises-pressure/>

29. Merom, Gil. 2013. "Democracy, Dependency, and Destabilization: The Shaking of Allende's Regime". 105(1).

30. Mintz, Alex and Karl De Rouen Jr. (2010), Understanding Foreign Policy Decision Making, Cambridge University Press

31. Nau, Henry R. & Deepa M. Ollapally. (2012). World Views of Aspiring Powers: Domestic Foreign Policy Debates in China, India, Iran, Japan, and Russia. Oxford, Oxford University Press.

32. Patton, John R (2003), "Intuition in Decisions", Journal of Management Decision, The Current Issue and full text archive of this Journal is available at www.emeraldinsight.com/0025-1747.htm.

33. paylaim, haberi(2018) 8world reacts to us withdrawal from iran nuclear Deal", Anadolu Agency website available at: <https://www.aa.com.tr/en/politics/world-reacts-to-us->

withdrawal-from-iran-nuclear-deal/1140043.

34. Seakrooke Leonard. 2007“ “Varieties of economic constructivism in Political economy: Uncertain times call for disparate measures “Review of International Political Economy 14:2 May, in:[http:// www. hks. harvard. edu/ fs/ pculpepper/ RIPE %20 review, %20 creating %20 cooperation](http://www.hks.harvard.edu/fs/pculpepper/RIPE%20review,%20creating%20cooperation).

35. Simon, Herbert A. (1986), “The architecture of complexity”, Cambridge, Mass.: MIT Press.

36. United Nations (2015), “Resolution 2231 (2015) on Iran Nuclear Issue”, United Nations Security Council, available at: [https:// www.un.org /securitycouncil /content /2231/ background](https://www.un.org/securitycouncil/content/2231/background)



The American withdrawal from the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) and the need to re-read its provisions:

(The limits of the two sides in a nuclear agreement with the implementation of the theory of bounded rationality)

ABSTRACT

After a nuclear deal, that so called as jcpoa, two paradigm (like& dislike) emerged in the public opinion. With Trump's unilateral approach and after U.S withdrawal from this international and formal agreement, second paradigm was developed. The question of this article is: with the withdrawal of the U.S from JCPOA, Iran what to do and what s the basis for a step - by – step Irans Duty Reduction of this Agreement? What did the other partners face when they signed the agreement that had many critics on both sides? Two results of the research are: at first Iran and 5+1 faced with many limites when they sigend this document.they do this act based on Herbert Alexander Simon bounded rationality Theory despite their wishes and disagreement of some part of their people. Second, with U.S withdrawal from this agrrement and its forces on other partners, if the Islamic Republic of Iran considers the reduction of obligation to deal, oppose to its national interests, according to the trigger mechanism- which is a self - sufficient system- the legal and political capability is to reduce the obligations or return to the conditions of pre deal. This research based on analytical & descriptive method. With the emphasis on documentary decision analysis on the theories of Herbert Simon and Jack Snyder. The data collection tool is based on library and internet resources.

Keywords

Iran, 5+1, JCPOA, bounded rationality, input, output, trigger mechanism.

